

# کی جی بی در افغانستان

نوشتۀ واسیلی متروخین، بایگان ارشد کی جی بی

برگرداننده به دری: داکتر حمید سیماب

قسمت دوم

## ۲ - کودتای ثور

بر اساس هدایت ماسکو برای هر عضو کمیته مرکزی و منشی های شهری و ولایتی سازمان های حزبی ح د خ ا در سال ۱۹۷۷ مخفیانه جانشین متبادل انتخاب، تربیه و تثبیت شد. قرار بود آنها در صورت سرکوب ناگهانی یا دستگیری رهبران حزب زمام امور حزبی را بدست گیرند. در عین زمان تاکتیک های جدید دروغ پراگنی و کژ آگاه سازی مقامات رویدست گرفته شد و آوازه هایی راه اندازی شد که گویا خلقی ها خود را «منحل کرده بودند».

شعبه بین المللی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی بدون اطلاع سائر اعضای کمیته مرکزی ح د خ ا منطماً به تره کی پول می پرداخت و حتی امین که دوست خیلی نزدیک تره کی و کاملاً مورد اعتماد او بود نیز ازین معاملات پولی اطلاع نداشت. به تاریخ ۱۵ مارچ ۱۹۷۷ به تره کی مبلغ ۳۰,۰۰۰ افغانی و بتاریخ ۲۵ همان سال مبلغ اضافی ۳۰,۲۴۰ افغانی برایش داده شد.

در سال ۱۹۷۵ داؤد حزب «ملی غورخنگ» (جهش ملی) را تأسیس و همه احزاب سیاسی دیگر را ممنوع اعلام کرد. اقامتگاه کابل به رهبران ح د خ ا هدایت داد تا افراد خود را در حزب داؤد نفوذ داده و از داخل به خرابکاری بپردازند. به تره کی توصیه شد تا از ملاقات های غیر ضروری با سائر اعضای کمیته مرکزی اجتناب ورزد. مقامات دولتی بروز ۲۵ اپریل ۱۹۷۸ تره کی، کارمل، داکتر شاه ولی و چند تن دیگر از رهبران ح د خ ا را دستگیر کردند، اما حزب خود را خاطر جمع احساس می کرد. اعضای مخفی کمیته مرکزی ح د خ ا بی درنگ بصورت پنهانی گردهم آمدند و تصمیم گرفتند تا در با مگاه ۲۷ اپریل کودتا راه انداخته و قدرت دولتی را بچنگ آرند. سازماندهی کودتا به عهده فقیر<sup>30</sup> معاون غیر قانونی حفیظ الله امین که کار تدارکاتی را نیز سازماندهی نموده بود گذاشته شد. نقش عمده در کودتا به لوا های ۴ و ۱۵ زره دار و نیروی کوماندو داده شد تا کابل را اشغال و کنترل ساختمان های دولتی را در شهر بدست گیرند. قرار شد نیروی هوایی و دافع هوا از آنها حمایت کند. فرماندهی نیرو های نظامی بدست قوماندان قوای هوایی و دافع هوا دگروال عبدالقادر و معاونش نظر محمد بود.

گلاب زوی<sup>31</sup> (ایجننت با نام مستعار «مامد») و محمد رفیع<sup>32</sup> (ایجننت با نام مستعار «نیروز») بی درنگ به اقامتگاه در مورد حوادث فوق العاده بی که در شرف وقوع بود خبر دادند. روز ۲۶ اپریل اقامتگاه از طریق تلگرام عاجل مرکز را در جریان اوضاع قرار داد و پوزانوف<sup>33</sup> سفیر شوروی نیز از وضع به دفتر سیاسی حزب کمونیست اتحاد شوروی اطلاع داد و اظهار عقیده کرد که «خطر آن می رود که کسانی از اعضای کمیته مرکزی ح د خ ا که هنوز دستگیر نشده اند دست به اقدامات افراطی بزنند. شاید محرکینی مربوط به ارگان های ویژه<sup>34</sup> دولت افغانستان آنها را به چنین کاری برانگیزند. به نظر ما چنین اقدام افراطی در وضعیت جاری منجر به سرکوب و شکست نیروهای مترقی درین کشور خواهد گردید.» تلگرام بی درنگ بصورت عاجل درجه یک

<sup>30</sup> منظور فقیر محمد فقیر، وزیر داخله در دولت بعد از کودتای ثور است - برگرداننده  
<sup>31</sup> سید محمد گلاب زوی، وزیر مخابرات و سپس وزیر داخله در دولت های بعد از کودتای ثور، و اکنون (۲۰۰۹) وکیل در پارلمان افغانستان - برگرداننده

<sup>32</sup> در آن زمان جگرن محمد رفیع، وزیر فوائد عامه در دولت بعد از کودتای ثور - برگرداننده

<sup>33</sup> الکساندر پوزانوف Alexander Puzanov، از ۱۹۷۲ تا ۱۹۷۹ سفیر کبیر اتحاد شوروی در کابل - برگرداننده

<sup>34</sup> «خدمات ویژه» به ارگان ها و مؤسسات اطلاعاتی و ضد - استخباراتی اطلاق می شود - برگرداننده

فرستاده شد. مرکز کی جی بی در همانروز پاسخ فرستاد و منجمله سائر مطالب اظهار داشت که «این امکان را نمی توان منتفی دانست که موساد<sup>35</sup> عمداً سازمان نظامی این حزب را بر آن می دارد تا علیه دولت دست به اقدام نظامی زند تا بتواند ازین طریق برآن ضربه وارد کند.» چنانکه دیده می شود، اقامتگاه، سفارت و رهبری ماسکو در مورد وضعیت افغانستان کمتر معلومات داشتند، اوضاع را نادرست درک کردند و فرض را برآن گذاشته بودند که کودتا موفق خواهد شد.

همزمان با این، اوضاع در افغانستان به سرعت حرکت می کرد. حکومت داؤد سقوط کرد و خودش کشته شد. شورای انقلابی به رهبری حفیظ الله امین، ډگروال (که حالا به برید جنرال ارتقا کرده بود) عبدالقادر و جگرن اسلم<sup>36</sup> قوماندان کندک اول قوای ۴ زره دار زمام امور را بدست گرفته اقدامات خود را با تره کی و کارمل هماهنگ ساخت. ساعت ۴:۳۰ بعد از ظهر روز ۲۸ اپریل صالح<sup>37</sup> نماینده شخصی تره کی به سفارت شوروی رفت تا ارتباط برقرار سازد. وی به سفارت در مورد وضعیت در کابل گزارش داده و گفت که آخرین دسته های مقاومتگر سرکوب شده و شورای انقلابی کنترول تام اوضاع را در دست دارد. تره کی از اتحاد شوروی درخواست پشتیبانی و حمایت در برابر حمله احتمالی از جانب ایران یا پاکستان و شناسایی سریع رژیم جدید را نمود. در همانروز امین با یک افسر عملیاتی<sup>38</sup> ملاقات کرده و از وی مشوره خواست که آیا تره کی، منشی عمومی کمیته مرکزی ح د خ، پیام رادیویی به مردم را بروز ۲۹ اپریل پخش نماید یا در صبحگاه ۳۰ اپریل، آیا از نام ح د خ صحبت کند یا صرفاً از نام شورای انقلابی نظامی و آیا صرفاً رئیس دولت اعلام شود یا در عین زمان منشی عمومی حزب نیز معرفی گردد؟ امین از جانب خود و رفقای خود از اتحاد شوروی خواست تا رژیم جدید افغانستان را به زود ترین فرصت به رسمیت بشناسد. در گزارشی که اقامتگاه به ماسکو فرستاد تاکید شده بود که «امین طرفدار قاطع و استوار همکاری با اتحاد شوروی و حزب کمونیست اتحاد شوروی می باشد». قدرت مشترکاً بدست تره کی، امین، کارمل و قادر بود.

شامگاه روز ۲۹ ثور سفیر کبیر پوزانوف و شخص نماینده مقیم<sup>39</sup>، ویلیوف گ. اوسادچی<sup>40</sup> (با نام مستعار «ایفگنی»<sup>41</sup>)، با تره کی در خانه نماینده آژانس تاس<sup>42</sup> ملاقات کردند. تره کی برآن بود که اگر رفقای شوروی مشوره اشتباه آمیز پشتیبانی همه جانبه از رژیم داؤد را نمی دادند حزیش می توانست سه سال پیش قدرت را بدست گیرد. جانب شوروی این نظر را با قاطعیت رد کرده توضیح نمود که در طول این چند سال داؤد خود را منحیت یک سیاستمدار عوامفریب و فاقد اصول رسوا ساخته بود.

حفیظ الله امین (نام مستعار «کازم») بیانیه رادیویی به مردم ایراد کرد. وی در مورد ارگان های جدید قدرت و مسائل عاجل سخن گفت ولی بنابر دلایل تاکتیکی در مورد نقش رهبری حزب و سهم آن در دسیسه کودتا چیزی نگفت.

دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی بروز ۳۰ اپریل تشکیل جلسه داد تا اوضاع افغانستان را مورد بحث قرار دهد. قطعنامه های پایان این مباحثات به اقامتگاه فرستاده شد و هدایت داده شد تا با حفیظ الله امین ملاقات صورت گرفته به وی گفته شود که ماسکو صلاح می دید تا رئیس جمهور اعلام و بزودترین فرصت ممکنه حکومت تشکیل شود. دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی روی این نکته توافق کرده بود که تره کی بحیث رئیس دولت اعلام شود اما منشی عمومی کمیته مرکزی ح د خ ا بودنش ذکر نگردد چون این موضوع را می شد در پسین اعلام کرد. هدایات مشابه از جانب وزارت امور خارجه شوروی به پوزانوف نیز فرستاده شد.

<sup>35</sup> دستگاه استخبارات اسرائیل - یادداشت نویسنده

<sup>36</sup> منظور اسلم وطنجار وزیر داخله دولت تره کی پس از تصفیه پرچی ها و وزیر دفاع دولت داکتر نجیب الله است - برگرداننده

<sup>37</sup> منظور داکتر صالح محمد زیری وزیر زراعت در دولت بعد از کودتای تره کی و وزیر صحیه در کابینه های بعدی است - برگرداننده

<sup>38</sup> «افسر عملیاتی» حیثیت «آمر کاراندازان» را دارد. «کارانداز» به آن کارمند دستگاه جاسوسی اطلاق می شود که مسئول برنامه،

پروژه یا پرونده خاص جاسوسی بوده با عمال و ایجننت های مربوط به آن برنامه، پروژه یا دوسیه تماس منظم داشته اطلاعات مربوطه

را جمع آوری و به مسئولین بالاتر انتقال می دهد. - برگرداننده

<sup>39</sup> «نماینده مقیم» عضوی از دستگاه خدمات اطلاعاتی است که به امر ارگان مرکزی استخباراتی به ریاست یک اقامتگاه گماشته می

شود. - (یادداشت نویسنده)

<sup>40</sup> Viliyov G. Osadchy

<sup>41</sup> Evgeny ، که بنام کرپوگوز (I.A. Krivoguz) نیز یاد می شد - (یادداشت ویرایشگر نسخه انگلیسی)

<sup>42</sup> آژانس خبر رسانی اتحاد شوروی - (یادداشت ویرایشگر نسخه انگلیسی)

پس از کودتای ثور نام مستعار تره کی از «نور» به «دیدوف» مبدل گردید.

روز ۶ می عبدالقادر وزیر دفاع افغانستان مشوره خواست که با آنهمه اشخاصی که دستگیر شده بودند چه کند. شمار چنین اشخاص اکنون به اضافه از ده هزار تن می رسد، زندان ها انباشته بودند و شمار زندانیان در حال افزایش بود. به تعداد زیاد سربازان وفادار به شورای انقلابی نیاز بود تا از آنها مواظبت کنند. اندروپوف و آندری گرومیو<sup>43</sup> مسئله را در دفتر سیاسی مطرح کردند. دفتر سیاسی با پیشنهاد اندروپوف مبنی بر اینکه یک عضو کی جی بی که ارتباط طولانی کاراندازی با قادر (نام مستعار «عثمان») داشت با هدایات لازمه در ارتباط به سر نوشت توقیف شدگان به کابل فرستاده شود. تورن جنرال ل.ن. گوریلوف<sup>44</sup> منحبث رئیس متخصصین نظامی شوروی مورد تأیید قرار گرفت.

در طی اولین روزهای رژیم جدید، اقامتگاه به امر مرکز کی جی بی تدابیر فعالی روی دست گرفت تا آرشیف های وزارت امور داخله، ریاست امنیت ملی و استخبارات نظامی افغانستان را بدست آورد. درین عملیات آنها از ایجننت هایی کار گرفتند که در دستگاه خدمات استخباراتی افغانستان مقامات بلندی را حائز بودند، مانند عباس (نام مستعار «استخبارات»<sup>45</sup>) رئیس سرپرست خدمات ضد جاسوسی نظامی. اقامتگاه توانست لیست های عمل جاسوسی استخبارات افغانی و اشخاصی را که زیر نظر دستگاه های استخبارات حکومت های شاهي و جمهوری داود قرار داشتند بدست آرد. استخبارات وزارت دفاع اتحاد شوروی «جی آر یو» از اقامتگاه نظامی<sup>46</sup> خود خواست تا در مورد مؤسسات امریکایی ها در نزدیکی کابل<sup>47</sup>، اسنادی در ارتباط اطلاعات سیزمیک (زلزله شناسی) در اطراف فیض آباد بدخشان و مواد دیگر ازین قبیل بدست آورد. هریک از دستگاه های اطلاعاتی شوروی در صدد دست یافتن به مواد مورد علاقه خود بود.

در ماه می اولین گروه مشاورین خدمات ویژه شوروی به ریاست ل.پ. بوگدانوف (نام مستعار «دسنین»<sup>48</sup>) وارد کابل شد و در ماه اگست نمایندگی رسمی کی جی بی در جمهوری دموکراتیک افغانستان جهت کمک به سازماندهی ارگان های امنیتی دولت جدید و کار دفاع از آن افتتاح گردید. در ماه سپتمبر ریاست عمومی اگسا<sup>49</sup> بر اساس تشکیل ریاست امنیت ملی تأسیس شد. کار اگسا هدف گیری نمایندگی های کشور های غربی، زیر نظر گیری سفارت خانه های ایالات متحده امریکا، ایران، جمهوری مردم چین و پاکستان، ضیق ساختن شرایط برای نمایندگان «حریف عمده»<sup>50</sup> در افغانستان، نفوذ تخنیکي در مؤسسات هدف گرفته شده غربی و سرکوب دشمنان داخلی بود.

چند تن از اعضای اقامتگاه کی جی بی در کابل بر اساس امر اندروپوف به امین افشا ساخته شدند که عبارت بودند از شخص نماینده مقیم و. گ. اوسادچی که در سفارت مشاور بود، پ.س. گولیونوف سکرتر دوم سفارت، دگرمن س. گ. بختورین افسر امنیتی سفارت و ی.ل. کوخته سکرتر اول سفارت<sup>51</sup>. رئیس نمایندگی کی جی بی دگروال بوگدانوف به امین توضیح داد که بنا بر دلائل معلوم آنها قبل از انقلاب ثور مجری امر حکومت شوروی مبنی بر تأمین ارتباط مخفی با رهبری ح د خ ا بودند و اینکه حالا هدف آنها پایان دادن به فعالیت های تخریبی دستگاه های اطلاعاتی کشور های غربی علیه اتحاد شوروی و جمهوری دموکراتیک افغانستان بود. از همان ابتدا یعنی در ماه می اعضای اقامتگاه کی جی بی با نور احمد نور وزیر امور داخله افغانستان، رئیس ژاندارم و پولیس، اسدالله<sup>52</sup> رئیس امنیت ملی و شخص امین پیرامون ضرورت طرد و اخراج مشاورین غربی از وزارت امور داخله صحبت هایی داشتند. امین می گفت که وی و تره کی هر دو موافق بودند که با انقضای قرار دادهای

<sup>43</sup> Andrey Andreyevich Gromyko از ۱۹۵۷ تا ۱۹۸۵ وزیر خارجه اتحاد شوروی و از ۱۹۸۵ تا ۱۹۸۸ صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی - (یادداشت ویرایشگر نسخه انگلیسی)

<sup>44</sup> L.N. Gorelov

<sup>45</sup> کذا فی الاصل. هویت این عباس برای اینجانب آشکار نشد. - برگرداننده

<sup>46</sup> اقامتگاه نظامی مانند اقامتگاه کی جی بی شبکه های جاسوسی خاص خود را در سراسر جهان دارند. (یادداشت نویسنده)

<sup>47</sup> شاید منظور شفاخانه نور و مکتب بین المللی امریکایی باشد که هر دو در کنار هم در جنب جاده دارالامان قرار داشتند. - برگرداننده

<sup>48</sup> L.P. Bogdanov ('Desnin')

<sup>49</sup> مخفف «د افغانستان د گنو ساتونکی اداره» (اداره پاسدارمنافع افغانستان)، دستگاه عمده امنیتی و استخباراتی دولت تره کی که در زمان حکومت صد روزه حفیظ الله امین به «کارگرانو استخباراتی مؤسسه» (کام) و سپس در هنگام حکومت کارمل و نجیب بعداز اشغال افغانستان توسط شوروی در سال ۱۹۸۰ به ریاست عمومی خدمات اطلاعات دولتی («خاد») تغییر نام داد - برگرداننده

<sup>50</sup> منظور ایالات متحده امریکاست. (یادداشت نویسنده)

<sup>51</sup> V.G. Osadchy, P.S. Golivanov, S.G. Bakhturin & Y.L. Kukhta

<sup>52</sup> منظور اسدالله سروری است که بعداً رئیس اگسا شد - برگرداننده

استخدام متخصصین آلمانی جای آنها تدریجاً به مشاورین و کارشناسان شوروی داده شود. در ماه نومبر کی جی بی خانه و جای کار تره کی را بخاطر یافتن آلات تخنیکي استراق سمع مورد بازرسی و تلاشی قرار داد ولی چیز مشکوکی بدست نیاورد.

در ماه جولای ۱۹۷۸ اقامتگاه با آژیر و زنهار به مرکز اطلاع داد که مبارزه برای کسب رهبری در ح د خ ا نه تنها رهبری را به انشعاب کشانده بلکه بر صفوف پایین تر حزبی نیز اثر کرده بود. تره کی و امین پس از به پایان رساندن سرکوب و انتقام گیری در برابر عکس العمل های راستگرایان حمله فعالی را بر پرچمی ها آغاز کرده و با پشت کردن به شیوه کار دموکراتیکی که در ابتدا اختیار کرده بودند اکنون کارزار وحشت و دهشت واقعی را در برابر پرچمی ها راه انداخته بودند. پیگرد پرچمی ها می توانست عواقب وخیم داشته باشد و در صورت ادامه یافتن خطر نبرد بین فراکسیون ها و حتی جنگ داخلی متصور بود. طرفداران کارمل نمایندگان شوروی ها را متقاعد ساخته بودند که «تنها رهبری حزب کمونیست اتحاد شوروی می توانست بر اپورتونیست های وحشی اثر گذاشته و آنها را مجبور سازد برخورد خود در برابر گروه پرچم را تغییر دهند». اختلافات میان تره کی و امین از یک سو و با رهبران جناح پرچم از سوی دیگر خصلت خصمانه بخود گرفته بود. آوازه های منفی میان اعضای حزب وجود داشت که گویا تره کی ایجننت سی آی ای و کی جی بی و امین ایجننت مخفی امریکا بود که زیر پوششی ضخیم عمل می کرد. گفته می شد که تره کی با اتحاد شوروی کرشمه و غرنامی می کند تا امداد وسیع اقتصادی بدست آورده و موضع خود را تقویه کند ولی سپس به اردوگاه پیروان غرب و مسلمانان مرتجع خواهد کوچید. می گفتند امین از اعتماد عام و تام تره کی برخوردار است ولی سرانجام تره کی را از قدرت برانداخته از وزرای وفادار به او راه خود را جدا خواهد ساخت و افغانستان را بجانب غرب خواهد چرخاند.

هر دو گروه برای احراز مقام و موقف در سنتیز و کشمکش بودند و درین میان طرفداران تره کی چیره شدند. کارمل از مقامش سبکدوش شده و در جولای ۱۹۷۸ بحیث سفیر به چکسلواکیا تبعید گردید. تصفیه در دستگاه حزبی و دولتی، ادعاهای دسیسه و توطئه، دستگیری ها و شکنجه ها عام بود. زندان ها و بازداشت گاه هاسرریزه کرده بودند و حقوق ابتدایی انسانی بنام انقلاب ورشد و استحکام مزید آن به تمسخر گرفته میشد. رسم چاپلوسی گزاف ومدح و ستایش مستدام تره کی و امین به نورم مبدل شده بود. تاریخچه حزب پیش از کودتا و بعد از آن بخاطر منافع اشخاص بازنویسی و دروغ پردازی شده نقش و جایگاه حزب و رهبرانش در زندگی کشور بعد تحریف می گردید. اسناد، مقالات و نامه ها با تغییر بازنویسی می شدند. تأیید اشخاص نه بر اساس دلایل عینی بلکه بر اساس دلایل ذهنی و شخصی صورت می گرفت. خویش و قوم پرستی، واسطه بازی و بنزخ روز نان خوردن اهمیت ویژه یافته بود. مقام و قدرت و عرصه فعالیت بر اساس گردسر گردی و وفاداری به رهبران تعیین می شد و ثروت ملت غارت گردیده افترا و نکوهش بی اساس رونق داشت و اشخاص راستکار و ارجمند آماج سرکوب پولیس قرار می گرفتند. کشور به شکنجه گاه وسیعی مبدل شده بود. افراد بدون هیچگونه بازجویی و محاکمه اعدام می شدند. پرتگاه مخوفی بین مردم و رژیم بوجود آمده بود که متکی بر زورگویی و پشتیبانی ارگان های امنیتی، ارتش و پولیس بود. دولت از همه کس و همه چیز اطاعت و انقیاد بی چون و چرا می خواست و اشخاص مشکوک و ارادل و اوباشانی از هر قبیل به سطح آمده بودند. ارگان های سرکوب دولتی برای رهبران حیثیت ساطور جلاذ را داشتند.

اینکه رهبری جمهوری دموکراتیک افغانستان از یافتن راه حل برای پرابلم های عاجل سیاسی و اجتماعی - اقتصادی که دامنگیر جامعه بود عاجز مانده و در بکار گرفتن امکانات موجود برای استقرار وضع ناتوانی خود را ثابت ساخته بود از نظر اقامتگاه پوشیده نماند. توطئه ها و مبارزه درونی ح د خ ا مانع بزرگی بود در برابر اینکه حزب یک سازمان کتلوی سیاسی برپایه های مستحکم مارکسیزم لنینیزم گردد. این حزب باید توانایی آنرا می داشت تا نیروی رهبری کننده و سمت دهنده جامعه افغانستان و نیروی محرکه باز زایی سازمانی و ایدئولوژیک آن باشد ولی بجای این، روندی آغاز شد که ح د خ ا را به فرقه هایی از پیروان و شیفتگان رهبری مورد نظرشان مبدل نمود که هر یک ازین فرقه ها از طریق روابط تباری و منافع مشترک شان در نگهداشت قدرت برای خود بزرگ سازی بهم پیوسته بودند.

اقامتگاه تماس عملیاتی خود با نمایندگان با اهمیت هر دو جناح را نگه می داشت. این افراد در دستگاه حزبی و دولتی، مطبوعات و سازمان های عامه مقام های کلیدی داشتند و نمایندگان شوروی را «همکاران مهتر و همسنگران در مبارزه طبقاتی» می دانستند.

بتاریخ ۴ می ۱۹۷۸ گزارشی در مورد شبکه ایجنت های جاسوسی در جمهوری دموکراتیک افغانستان به برژنف داده شد. وی تأیید کرد که باید کار با ایجنت ها به شکل محرمانه ادامه یابد.

منابع جناح پرچم خاطر نشان می ساختند که دستگاه های حزبی و دولتی مالمال از کسانی بود که گذشته ننگین داشتند. آنها بر آن بودند که ساختار طبقاتی تغییر کرده بود چون قدرتمندان بر سر اقتدار ایدئولوژی های مختلف داشتند و رشوه ستانی فراگیر بود. بوریس س. ایوانوف<sup>53</sup>، بوگدانوف و گوریلوف نیز تأیید کردند که فکر و ذکر رهبری ح د خ ا بر مبارزه سیاسی درونی - که در عمل همانا امحای گروه پرچم بود - متمرکز گردیده بود که این کوتاه نگری آشکار در قبال دشمنان واقعی انقلاب را نشان می داد.

محمود بریالی (نام مستعار «شیر») اودرزاده کارمل<sup>54</sup> و عضو کمیته مرکزی ح د خ ا با کارانداز نکراسوف<sup>55</sup> در ماسکو ملاقات کرد و درخواست نمود تا با کسی از کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی دیدار نماید. وی می خواست تصویری از وضع کشورش را بدست دهد. بریالی گفت که وی درک کرده نمی توانست چرا در اسناد و نوشته های شوروی ها همیشه از گروه خلق بمثابه حزب دموکراتیک رهبری کننده در افغانستان یاد می شد در حالیکه از گروه پرچم بمشکل ذکری صورت می گرفت. او می گفت که کمونیست های واقعی همه در جناح پرچم قرار داشتند و حزب کمونیست اتحاد شوروی اشتباه می کرد که چنین بالای خلقی ها حساب می نمود. بریالی ادعا داشت که سازمان دهندگان و الهام دهندگان واقعی انقلاب پرچمی ها و طرفداران شان در نیرو های مسلح ارتش بودند، اما جناح خلق با توطئه و نیرنگ قدرت را بدست گرفته بود. آنها به ارتش افترا بسته<sup>56</sup> طرفداران خود را در آن داخل کرده بودند و در صدد بودند تا پرچمی ها را که از بیست و نه کرسی کمیته مرکزی نزده آنرا فرچنگ داشتند تار و مار نمایند. بریالی می گفت که تره کی شخصاً تصمیم گرفته بود تا همه نزده تن را از مقام های شان در داخل کشور خلع کرده بنام سفیر بخارج بفرستد: کارمل به چکسلواکیا، خودش به پاکستان، نوراحمد نور به واشنگتن، وکیل<sup>57</sup> به لندن، و اناهیتا<sup>58</sup> به بلگراد. امین به بریالی گفته بود که فیصله تره کی باید بدون چون و چرا بمنصه اجرا گذاشته شود در غیر آن همانند ستالین هر آنکه را که فرمانبرداری نکند به جوخه اعدام خواهند سپرد. وقتی بریالی اعتراض کرد که انقلاب آنها مشخصات خود را داشت و نباید آنچه را ستالین در اتحاد شوروی انجام داده بود کورکورانه تقلید کرد (ستالینی که اتفاقاً رفقای شوروی خود بخاطر جنایاتش او را محکوم کرده بودند) امین پاسخ داد که وی منحیث یک دوست به بریالی هشدار می داد اما او آزاد بود سرنوشت خود را خود تعیین کند. بریالی بر آن بود که مبارزه داخلی عواقب وخیمی در بر دارد. کسانی که مطلقاً به اتحاد شوروی وفادارند مورد پیگرد و آزار قرار می گیرند. رفقای شوروی باید هشیار باشند و اتحاد شوروی پیش از آنکه دیر شود باید بحنبد و کنش دوستان افغانی خود را راست سازد چون اتوریته اتحاد شوروی نزد رهبری ح د خ ا و نیرو های مسلح افغانستان هنوز هم در فراسوی نکوهش قرار داشت. اگر این روند تاخیر یابد شاید ح د خ ا راه حزب کمونیست چین را در پیش گیرد که سرانجام آن برپادی حزب خواهد بود.

به ب. ن. بترايف<sup>59</sup> نماینده مقیم کی جی بی در اسلام آباد از تقرر بریالی بحیث سفیر افغانستان در اسلام آباد اطلاع داده شد و از وی تقاضا گردید تا مربی او در روش ها و شیوه های دیپلماتیک و وظایف یک سفیر باشد تا بریالی بتواند گذار روانی را از کسی که از حکومتش ناخشنود و ناراضی و از نگاه حزبی با آن مخالف است به سفیر کشورش که با درستکاری و ابرومندی وظایف مهم دولتی را که از او خواسته می شود انجام می دهد، به آسانی طی نماید. به بترايف توضیح گردید که از نظر اصول بین خلقی ها و پرچمی ها اختلافی وجود ندارد و رهبران دسته پرچم که برای انجام امور بخارج فرستاده می شدند همچنان لنینیست های متعهد به سوسیالیزم و ترقی در افغانستان بودند. به وی گفته شد که اگر بریالی تبصره های انتقاد آمیزی در مورد تره کی نماید باید او (بترايف) از چنین قضاوت ها جانبداری نکرده متذکر شود که در حال حاضر منافع مردم افغانستان ایجاب می کرد که توجه عمده عطف تقویه و استحکام صفوف ح د خ ا گردد. به بترايف توضیح گردید که پیروان و طرفداران

<sup>53</sup> Boris S. Ivanov، افسر کارکنه کی جی بی بارتیه بگر جنرال، از بهار ۱۹۷۹ به بعد صاحب منصب عالیرتبه کی جی بی در کابل. (یادداشت ویرایشگر نسخه انگلیسی)

<sup>54</sup> دقیق نیست. محمود بریالی برادر کارمل بود. - برگرداننده

<sup>55</sup> E.I. Nekrasov

<sup>56</sup> کذا فی الاصل

<sup>57</sup> عبدالوکیل، عضو کمیته مرکزی ح د خ ا و وزیر امور خارجه دولت داکتر نجیب الله. - برگرداننده

<sup>58</sup> داکتر اناهیتا راتب زاد، عضو کمیته مرکزی ح د خ ا و برای مدت کوتاهی وزیرکار و اموراجتماعی در ابتدای حکمروایی دولت کودتای ثور - برگرداننده

<sup>59</sup> B.N. Batrayev

کارمل در صحبت با نمایندگان شوروی این نظر اشتباه آمیز را بیان می کردند که از آنجاییکه جناح خلق درگیر ستیز و کشمکش با پرچمی ها بود بنابراین بر اوضاع در کشور مسلط نبود، که این امر در آینده نزدیک به خراب شدن اوضاع در جمهوری دموکراتیک افغانستان انجامیده می توانست. «به عقیده ما چنین اطلاعات ذهنی بوده و صرفاً بیانگر نظرات طرفداران کارمل است. از مباحثه روی این مسائل باید جلوگیری گردد. نباید بخواد اجازه داد در گرداب مبارزات درونی ح د خ ا کشانده شویم.»

بریالی («شیر») در برابر برقراری مجدد تماس در جون ۱۹۷۸ شورمندانه بازتاب نشان داد و اظهار آرزو کرد که بتواند کاری از پیش برد.

در ماه سپتامبر به سفیر اتحاد شوروی<sup>60</sup> از طریق وزارت امور خارجه هدایت داده شد که اگر سفیر جمهوری دموکراتیک افغانستان با او در مورد مبارزه سیاسی درونی ح د خ ا صحبت کند او باید بگوید که این یک مسئله داخلی افغانستان است. اگر سفیر جمهوری دموکراتیک افغانستان نمی خواست به میهن خود برگردد باید برایش روشن ساخته شود که در اتحاد شوروی برایش پناهندگی سیاسی داده خواهد شد. به نماینده مقیم کی جی بی نیز هدایت داده شد تا به عین ترتیب رفتار کند. بریالی هنگام صحبت با بتراپف به موضوع درخواست پناهندگی سیاسی اشاره کرد اما بتراپف مدیرانه جواب رد داد. سفیر افغانی گفت که او بکابل بر خواهد گشت و از بتراپف خواست تا به رهبران شوروی بگوید که با وجود همه نگرانی ها و رنجش ها وی کمونیست استوار و دوست راستین اتحاد شوروی باقی خواهد ماند.

بریالی به چکسلواکیا رفت و با کارمل ملاقات کرد. سپس به ماسکو رفت و به اپارتمان نکراسوف تلفون کرد. به وی گفت که پرچمی ها در وضعیت وخیمی قرار داشتند، وضعیت فاجعه بار بود و همه با مرگ روبرو بودند. وی با التماس تقاضا کرد تا تدابیر عاجل برای نجات کارمل و پیروانش اتخاذ گردد. «بنام انسانیت ما را نجات دهید! بنام انسانیت ما را نجات دهید!» این جمله را در حالی که هق هق می گریست چند بار تکرار کرد. «نمی دانم چه کنم؟ وسیله امرار معاش ندارم. همه امید ما رفقای شوروی ما هستند. نامه یی از کارمل دارم اما نمی دانم آنرا به کی بدهم؟» این مکالمه به سوسلوف و پونوماریف گزارش داده شد. آنها هدایت دادند تا از بریالی در شعبه بین المللی کمیته مرکزی پذیرایی گردد. ا.گ. پولیاکوف<sup>61</sup> با او صحبت کرد ولی اولیانوفسکی<sup>62</sup> از اشتراک در صحبت ابا ورزید.

بریالی شکایت کرد که وی موقف اتحاد شوروی و موضعگیری آن در برابر نابودسازی فزیکمی کمونیست های راستین و وفادار را درک کرده نمی توانست. وی پوزانوف را متهم کرد که در قبال وضعیت در افغانستان به اتحادشوروی اطلاعات دروغین می دهد و بخاطر پاداش<sup>63</sup> حاضر بود جان هزارها کمونیست راستین را قربان کند. بریالی پرسید که ماسکو چرا حالا برایش مشوره می داد که خود تصمیم خود را بگیرد که بکابل برگردد یا نه، گویی خبر نداشت که در کابل چه می گذرد. وی گفت که در گذشته رفقای شوروی همواره به وی مشوره می دادند که چگونه عمل کند و او هیچگاهی حرف ناشنوی نکرده بود. وی برداشت کارمل از وضعیت را توضیح کرد. کارمل بصورت اخص از پوزانوف دل پر خون داشت. «پوزانوف در ضمن سفیر بودن باید کمونیست نیز باشد. پرچمی ها تصمیم گرفته اند که در چنین مقطعی وضعیت انقلابی را وخیم تر نسازند اما چنین تصمیمی نباید به مفهوم کاپیتولاسیون (تسلیم) درک گردد.» کارمل بر آن بود که در یک و نیم ماه وضعیت در افغانستان قسمی تغییر خواهد کرد که به نفع تره کی نخواهد بود. نارضایتی از حکومت – که همین حالا آشکار بود – همه گیر خواهد شد. زمان شادمانی و شادکامی گذشته بود و به دنبال آن انتقاد و حمله به تره کی آغاز شدنی بود.

دفتر نمایندگی کی جی بی و اقامتگاه نیز این خطاها و کاستی ها را متوجه بود. رهبری ح د خ ا که اراده تره کی و امین بر آن چیره بود به نظریات و آرزو های کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی مبنی بر اینکه همه نیرو های دموکراتیک مردم افغانستان متحد شده و سهم فعالی در بازسازی کشور خود بگیرند گوش فرا نداده بود. در حلقه های سیاسی جمهوری دموکراتیک افغانستان و در ح د خ ا گفته می شد که امین مبارزه علیه پرچمی ها و خلقی های نکوهشگر را بخاطر آن تشدید می کرد و برمی انگیزت تا موقف رهبری خود را در حزب، دولت و

<sup>60</sup> منظور سفیر شوروی در اسلام آباد است. – برگرداننده

<sup>61</sup> A.G. Polyakov هویت و مقام این شخص را نویسنده توضیح نکرده است – برگرداننده

<sup>62</sup> Rostislav A. Ulianovsky معاون رئیس شعبه بین المللی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی. (یادداشت ویرایشگر

نسخه انگلیسی)

<sup>63</sup> منظور رشوه از جانب خلقی هاست – برگرداننده

ارتش مستحکم سازد. با شناختی که از شخصیت امین وجود داشت فکر می شد وی در آینده در برابر تره کی و طرفداران نزدیکش دست به اقدامی خواهد زد.

ادامه دارد ....